

خطبه عاشورایی به نام امام خمینی

روایتی از خطبه خوانی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در شب عاشورای ۱۳۵۷

حسین (ع) یا امام رضا (ع) قرائت می‌شد. «فکر کردم که چنین خطبه رسمی آن هم با یادکرد شاه، متناسب جو انقلابی مشهد نیست. باید زمام امور را به دست بگیرم و موضوع باید پنهان می‌ماند، زیرا اگر آشکار می‌شد، درهای حرم را روی ما می‌بستند». موضوع تا ظهر و پایان راهپیمایی روز تاسوعا، مکتوم ماند. آقای واعظ طبسی که قطعنامه ۱۷ ماده‌ای روز تاسوعا را خواند، قطعنامه‌ای که در همه راهپیمایی‌های روز تاسوعا در شهرهای بزرگ و کوچک خوانده می‌شد، خطاب به جمعیت گفت که مردم به طرف حرم بروید. «قرار است امشب خطبه به نام [امام] خمینی خوانده شود. قرار است امشب آقای سیدعلی خامنه‌ای به نام [امام] خمینی خطبه بخواند». (۱)

■ سقوط خواهید کرد

استاندار خراسان طبق سنت سال‌های گذشته برای چنین شبی برنامه داشت و از رؤسای اداره‌ها، سازمان‌ها و افراد مورد نظر استانداری دعوت کرده بود که در این مراسم شرکت کنند. (۲) جمعیت راهی حرم شد و ساعتی از اعلام خبر نگذشته بود که داخل حرم لبریز از راهپیمایان پیش از ظهر گردید. همه چیز آماده بود، جز بلندگو. نمی‌دانستند چطور باید آن را به کار اندازند.

محمد خجسته، برادرزن آقای خامنه‌ای پیش افتاد و با کمک یکی از خادمان حرم که کارمند جزء بود، بلندگوها را آماده بخش کرد. «محمدآقا پیش من آمد و گفت همه چیز بر وفق مراد است... رفتیم به سوی حرم. دیدم پر است از زائران منتظر خطبه، به طرف اتاقی که مشرف به صحن بود رفتیم. از آنجا مردم را می‌دیدم ولی آنان نمی‌توانستند مرا ببینند. محمد، پسر ممصطفی و عده‌ای دیگر همراه بودند».

یکی از حاضران آن اتاق از پشت بلندگو اعلام کرد خطبه شب عاشورا توسط دانشمند ارجمند حضرت حجت الاسلام خامنه‌ای خوانده می‌شود، صدا در میان همه مردم گم شد. «دانستم که تسلط بر این همه‌مهمه بسیار مشکل خواهد بود. آن روزها صدایی قوی و بلند داشتم. خداوند این نعمت را به من داده بود که بدون بلندگو صدایم را تا دورها می‌رساندم [...]».

«توکل کردم. به خدا متوسل شدم. به امام رضا (ع). با صدای بلند و کشیده خطبه را شروع کردم. خطبه را موبه‌مو حفظ نکرده بودم. اما سخنم را با جمله‌های عربی مسجع که حمد [خداوند] و درود بر پیامبر و خاندانش بود آغاز کردم. همه مردم همچنان ادامه داشت، اما به تدریج آرامش و سکوت بر سر آن جمعیت خیمه زد».

وقتی اوضاع را مساعد دیدند، امام رضا (ع) را به زبان فارسی خطاب قرار دادند و گفتند: «یا ابن رسول الله! از شما معذرت می‌خواهم که طاغوتیان هر ساله مراسم امشب را در کنار تو برپا می‌کردند، در حالی که نه به تو ایمان داشتند و نه به جد تو حسین (ع). ما خراسانی‌ها فقط نظاره‌گر کار آن‌ها بودیم. نه چاره‌ای داشتیم و نه توانی. ساکت بودیم».

سپس روی سخن را به فرماندار نظامی مشهد و استاندار کردند و گفتند: «من نکته‌ای را از تاریخ انقلاب فرانسه به شما یادآوری می‌کنم. حاکمان فرانسه در آن زمان انتظار سقوط حکومتشان را نداشتند. ۲۰ روز پیش از پیروزی انقلاب فرانسه، خیرخواهان، حاکمان را به تسلیم در برابر اراده ملت فراخواندند، اما آنان بر لجاجت و تکبر خود پافشاری کردند. انقلاب برخلاف میل حاکمان پیروز شد. اینک یکی دو ماه بیشتر به پیروزی (ما) نمانده است. من شما را نصیحت می‌کنم و می‌گویم با مردم به نیکی رفتار کنید».

سخنرانی آقای خامنه‌ای یک ساعت به درازا کشید. همه را ضبط کرده، تحویل مقامات امنیتی دادند. اظهارات ایشان در ارتقای روحیه مردم و از دیگر سو، تضعیف موقعیت فرمانده نظامی و دیگر مسئولان تأثیر چشمگیری داشت. آنان خود را آماده شرکت در مراسم خطبه خوانی کرده بودند، اما اینک پس از لغو برنامه، در حال شنیدن پیش‌بینی یک روحانی مبارز بودند که می‌گفت: «سقوط خواهید کرد». آن شب عده زیادی به وسیله تلفن و حضوری به همدیگر تبریک گفتند.

■ تداوم حرکت میلیونی

روز عاشورا همتای تاسوعا بود. خیابان‌ها چنان از جمعیت موج می‌زد که با اصطلاح «میلیونی» از آن یاد می‌کردند. هر چند این رقم می‌توانست برای شهر مشهد اغراق آمیز باشد، اما اگر چنان جمعیتی می‌داشت، حضورش در آن شرایط نه یک احتمال، بلکه امری حتمی بود. ساواک خراسان گردانندگان راهپیمایی بزرگ عاشورای مشهد را آقایان سیدعلی خامنه‌ای، سیدکاظم مرعشی، شیخ ابوالحسن شیرازی، شیخ مجتبی شمس، شیخ علی تهرانی، موسوی خراسانی، عبدالکریم هاشمی‌نژاد، عباس واعظ طبسی، شیخ حسین صفایی و دکتر محمود روحانی یاد کرد که در پایان، قطعنامه و ماده‌های آن توسط واعظ طبسی قرائت شد.

۱. همان، نامه ساواک خراسان به فرمانداری نظامی مشهد، شم ۲۱۳۱۴/۹ مورخ ۵۷/۹/۱۹.
۲. همان، از ۹ به ۳۱۲، شم ۲۱۳۰۶/۹ مورخ ۵۷/۹/۹.

در روزهای پایانی ماه محرم ۱۳۵۷، همزمان با راهپیمایی‌های میلیونی مردم در تاسوعای حسینی، حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد شاهد رخدادی کم‌سابقه شد. شامگاه ۱۸ آذرماه ۱۳۵۷، پس از موج عظیم راهپیمایی تاسوعا، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در شب عاشورا خطبه‌ای ویژه به نام امام خمینی (ره) خواندند و ضمن نقد حکام و پیش‌بینی سقوط رژیم پهلوی، با سخنانی مستقیم و بی‌پرده، هم مردم حاضر در حرم مطهر را به حرکت و هوشیاری دعوت کردند و هم مسئولان رژیم را مورد خطاب قرار دادند.

«تورق» گزارش بخش «درس و عبرت تاریخ» رسانه KHAMENEI.IR روایت این رویداد در صفحات ۶۲۶ تا ۶۲۹ کتاب «شرح اسم» آمده است؛ اثری که هدایت‌الله بهبودی آن را به رشته تحریر درآورده و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در تابستان ۱۳۹۱ منتشر کرده است؛ به بهانه سالروز آن خطبه خوانی روحیه بخش، خواندن روایت پیش رو خالی از لطف نیست.

■ خطبه خوانی شب عاشورا

ساعت ۳ بعد از ظهر تاسوعا بود که شماری از مردم عکس‌های شاه را از صحن پهلوی پایین کشیده، پاره کردند. دقایقی بعد کاشی‌ها و ستون‌های یادبود حرم از اسم شخص اول زدوده شد. ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر مجسمه رضا پهلوی از میدان شاه پایین کشیده شد. این رویداد در میدان تقی‌آباد و بیمارستان شاهرضا هم رخ داد [...].

خطبه خوانی یکی از مراسم جاری در صحن امام رضا (ع) است که برای هر درگذشته‌ای خوانده می‌شود و متناسب با شخصیت متوفی تفاوت می‌کند. مردم در گوشه‌ای از حرم جمع می‌شوند، خطیب بالای منبر می‌رود و خطبه‌ای به عربی می‌خواند پس از ذکر خیری از درگذشته، برای او دعا می‌کند و از مردم نیز درخواست فاتحه برای روح او می‌نماید.

چنین خطبه‌ای در شب عاشورا به یاد امام حسین (ع) نیز خوانده می‌شود؛ در شب آخر ماه صفر نیز برای امام رضا (ع)، این دو خطبه جنبه رسمی دارد و با تشریفات انجام می‌شود؛ از جمله تهیه دعوت‌نامه، حضور افرادی خاص، آن هم پشت درهای بسته حرم. در آن زمان در این مراسم از محمدرضا پهلوی یاد می‌کردند و بعد خطبه‌ای با نثر موزون به نام امام

